

ترجمه: دکتر سید حسین صفائی

مسئولیت سازندگان و فرو شدگان کالاهای معیوب

مطالبی که ذیلا بنظر خوانندگان گرامی میرسد ترجمه فصلی است از کتاب نهاد های اساسی حقوق ایالات متحده آمریکا *Institutions fondamentales du Droit des Etats-Unis* تألیف فردیناند اف . استون Ferdinand F. Stone استاد دانشکده حقوق و مدیر مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تولین واقع در نیوارلثان آمریکا . اصل کتاب بزبان فرانسه نوشته شده و محتوای آن درسی است که مؤلف چند سال قبل به دعوت دانشکده حقوق و علوم اقتصادی گرنبل فرانسه در آن دانشکده راجع به حقوق ایالات متحده آمریکا داده است . کتاب در ۳۲ صفحه به سال ۱۹۶۵ در فرانسه به چاپ رسیده و جلدسی ام از مجموعه « کتابخانه حقوق بین الملل » *Bibliothèque de Droit international* را که زیر نظر شارل روسو استاد بنام حقوق بین الملل دانشکده حقوق پاریس تهیه و منتشر میشود تشکیل میدهد . مقدمه ای از آندره تنک استاد بزرگ دانشکده حقوق پاریس اهمیت و ارزش کتاب را بخوبی نشان میدهد .

کتاب شامل بخشهایی راجع به حقوق عمومی - آئین دادرسی - حقوق خصوصی و اقتصاد سیاسی است و مطالبی که در آن آورده شده نمونه ای است که ویژگیهای حقوق آمریکارا در بخشهای مختلف معرفی میکند . سبک کتاب جالب و دلپذیر است . مؤلف در عین حال که به اصول و قواعد کلی توجه میکند و کوشش مینماید خطوط اصلی و فکرها و نظریه های غالب و راجع در حقوق آمریکا در زمینه های مختلف را ، به نحوی که برای حقوقدانان سیستم «حقوق نوشته» قابل فهم باشد ، بیان دارد ، از جنبه های عملی مسائل و واقعیتهای زندگی دور نمی ماند و چنانکه در کتب حقوقی انگلیسی و آمریکائی معمول است ، در هر مورد به آراء دادگاهها استناد و عباراتی از آنها نقل میکند و تحول و تکامل رویه دیوان عالی آمریکا و دیگر دادگاههای مهم آمریکا را نشان میدهد . فصلی که در اینجا آورده شده و در واقع فصل پنجم از بخش سوم (حقوق خصوصی) کتاب است معرف شیوه نگارش کتاب و نمونه ای از مطالب ارزنده و آموزنده ای است که در آن مورد بحث قرار گرفته و نیز نماینده طرز فکر «کاسن لو» و بخصوص حقوق

آمریکا و روشنگر نقش خلاق داد گاههای این کشور در تکامل حقوق و تأمین رفاه مردم میباشد. همه متن کتاب بوسیله نگارنده به فارسی برگردانده شده و قریباً توسط مؤسسه انتشارات فرانکلین منتشر خواهد شد.

۱۶۴. - خانم جونز در کافه ای نشسته بدعوت دوستی مشغول آشامیدن لیمونادی است. هنگامی که نصف مایع شیشه را آشامیده ناگهان سوسک گندیده ای در دهان میباید. حالت تهوع باو دست میدهد و بزودی بیمار و بستری میشود.

شاید در کامن لو، در دوسوی آتلانتیک، مسأله ای باندازه مسئولیت سازندگان و فروشندگان کالاهای معیوب با شور و علاقه مورد بحث واقع نشده باشد. این مسئولیت ممکن است ناشی از آن باشد که حلزونی گندیده در شیشه لیموناد پیدا شده، چنانکه در اسکاتلند روی داده است، یا عیبی در ساختمان چرخهای اتومبیل وجود داشته چنانکه در نیویورک اتفاق افتاده، یا انگشت پائی در توتون جویدنی یافت شد چنانکه در میسیسیپی دیده شده، یا ساردینی فاسد در داخل جعبه بوده، چنانکه در فلوریدا ملاحظه گردیده، یا در زیر جامه بیش از حد مواد شیمیائی بکاررفته، چنانکه در استرالیا بوقوع پیوسته است.

مبحث اول

عقیده ای که بموجب آن مسئولیت محدود به طرفین قرارداد است. ترک تدریجی این عقیده ۱۶۵. - این مسأله در انگلستان، متجاوز از یک قرن پیش، بسال ۸۴۲ در دعوی مشهور Winterbottom v. Wright مطرح گردید. خواننده قرارداد بارئیس کل پست Postmaster general بسته و بموجب آن تعهد کرده بود که یک کالسکه پستی برای حمل مراسلات از هارتفورد Hartford به هلیهد Holyhed تحویل دهد و برای نگاهداری آن در وضع مطلوب نیز اقدامات لازم بعمل آورد. خواهان سورچر بود که بوسیله شخصی بنام اتکینسن Atkinson استخدام شده بود که این شخص نزد بارئیس کل پست قرارداد بسته و بموجب آن متعهد شده بود که اسب و سوچه لازم برای کالسکه را فراهم آورد. در جریان دادرسی فاش شد که کالسکه ای که

(۱) 10 M and W. 109 (Court of Exchequer).

خوانده تحویل داده شکننده ، فرسوده و خطرناک بوده و خواهان از آن هیچ اطلاعی نداشته است . از اینرو در اثناء سفر وطنی مسافت کالسکه شکست و سورچی از آن سقوط کرد و جراحات سختی با و وارد آمد که او را مادام العمر لنگ و ناقص العضو نمود . سورچی سازنده کالسکه را ، باستناد اینکه وی در برابر هر کس که آن را بکاربرد مسئول است، مورد تعقیب قرارداد .

دادگاه تشخیص داد که این دعوی بی سابقه است و تقاضای سورچی را با اتفاق آراء رد کرد . لرد ابینگر Abinger رئیس دادگاه خزانه دار فقط اعلام داشت که هیچ رابطه قراردادی بین طرفین دعوی وجود نداشته است و افزود : « اگرما آثار چنین قراردادی را به امضاء کنندگان آن محدود نکنیم نتایج نا بخردانه و افراطی که محدودی برای آن نمیتوان قائل شد ببار خواهد آمد» . وی اعلام داشت که در پارهای موارد یکی از طرفین قرارداد میتواند دعوی خسارت یا دعوی بر سبب نقض قرارداد اقامه نماید لیکن « جز در موردی که خوانده تعهدی در برابر عموم داشته یا به منافع عمومی تجاوز کرده است ، هرگاه قراردادی بین خواهان و خوانده وجود نداشته باشد ، اقامه دعوی ممکن نیست » . بارن الدرسن Baron Alderson بنوبه خود یادآوری کرد که اگر بگوئیم خواهان میتواند بدون وجود رابطه قراردادی در چنین موردی اقامه دعوی کند محدودی برای اینگونه دعاوی نخواهد بود . بعقیده وی تنها قاعده قابل توصیه و مطمئن محدود کردن حق اقامه دعوی به طرفین قرارداد است . اگر از این حدود پا فراتر گذاریم دلیلی نیست که پنجاه قدم از آن نگذریم . بارن الدرسن در پاسخ باین استدلال که راه حل مزبور برای خواهان بسیار سخت است، گفت که خواهان میبایست قرارداد منعقد بین رئیس کل پست و خوانده را با مضای خود برساند . این یک پاسخ منطقی است، اگرچه دوزاخ واقع بینی میباشد . بارن رلف Rolfe نیز در پاسخ به این دلیل با عبارتی مغلق میگوید : «دعوی سخت ، چنانکه غالباً مشاهده شده است، تمایل به آن دارند که عدالتی سخت پدیدآورند » .

دادگاه انگلیسی هنگام رسیدگی بدعوی Winterbottom v. Wright یک مورد

پیشین یعنی دعوی لنگریچ علیه لوی Langridge v. Levy^۱ را که بعنوان سابقه قابل اجرا مورد استناد خواهان واقع شده بود مورد بحث قرارداد . در دعوی لنگریچ پدر و پسری برای خرید تفنگ یک مغازه اسلحه فروشی رفته بودند. با اینکه پدر معامله کرده و پسر هنوز اهت برای عقد قرارداد نداشت تفنگ برای پسر خریداری شده بود . تفنگ مورد معامله که سالم و بی خطر معرفی شده بود عیبی داشته و پسر را مجروح کرده و دادگاه دعوی خسارت علیه اسلحه فروش را بر سبنای تقصیر (negligence) او پذیرفته بود . ولی دادگاه بین این دعوی و دعوی وینتر بتم Winterbottom که تحت رسیدگی بود فرق گذاشت چه در دعوی نخستین پسر با اینکه نمیتوانست شخصاً قرارداد به بندد در حقیقت طرف قرارداد بود .

۱۶۶ . - نخستین دعوی از این نوع که در ایالات متحده آمریکا روی داده بی شک دعوی توماس علیه وینچستر Thomas v. Winchester است که در نیویورک بسال ۱۸۵۲ حل و فصل شد^۲: پزشکی مقداری تنتور پيسن لیت Teinture de pissenlit برای خانمی بنام توماس تجویز کرده بود . شوهر این زن نسخه را به دارو فروش داده و او اشتباهاً بجای داروی تجویز شده عصاره بلادون Belladone (نوعی گیاه سمی) فروخته بود . خانم توماس بسختی بیمار شد . دارو فروش اظهار داشت که شیشه دارو را از یک دارو فروش دیگر نیویورکی خریده است؛ این دارو فروش نیز بنوبه خود آنرا از خواننده گرفته و خواننده آنرا از داروسازی خریداری کرده بود . روی شیشه کلمه Pissenlit نوشته شده ولی محتوای آن در حقیقت بلادون بود و این دارویی است که از نظر رنگ ، طعم و بو و غلظت باسانی قابل تشخیص از داروی اول نیست . شوهر علیه وینچستر که بر حسب اشتباهی به شیشه زده و آنرا فروخته بود (ولی سازنده دارو نبود) برای جبران ضرر وارد بزنش اقامه دعوی کرد .

(۱) 2 M and W. 519, 4 M and W. 337.

(۲) (1852) 6 New York 397, 57 American Decisions 455.

دادگاه استیناف نیویورک فقط بمسأله‌ای که خواننده مطرح کرده بود پرداخت یعنی این مسأله که آیا میتوان علیه کسی که آخرین فروشنده دارو نبوده و رابطه قراردادی با خواهان نداشته است اقامه دعوی کرد. دادگاه نیویورک اعلام داشت که این دعوی قابل پذیرش است و بین این دعوی و دعوی Winterbottom v. Wright راجع به کالسکه پست تفکیک قائل شد، از لحاظ آنکه در دعوی توماس خواننده یک داروی سمی در اختیار دیگری گذاشته بود که فروش آن با برچسب یک داروی غیر سمی به نحو قابل پیش بینی و اجتناب ناپذیر موجب مرگ یا بیماری سخت میشود. دادگاه خاطر نشان کرد که خواننده دارو را بیک فروشنده دیگر فروخته نه بیک مصرف کننده و از اینرو امکان وقوع حادثه ناشی از اشتباه در آن مورد فقط برای مصرف کننده بعدی وجود داشته است نه خریدار. برای دادگاه، روشن بوده است که تکلیف خواننده ناشی از طبیعت فعالیت او و خطراتی بوده که هرگونه اشتباه او برای دیگران ایجاد میکرده است. هنگامی که شخصی سمی را با برچسب نادرست که حاکی از وجود یک ماده غیر سمی است در جریان دادوستد میگذارد نتایج این عمل بوضوح قابل پیش بینی است و این شخص باید مسئول خساراتی باشد که ممکن است از عمل او بار آید.

برخلاف دادگاه انگلیسی، دادگاه استیناف نیویورک مکلف به پیروی از فرمولهای غیر قابل انعطافی که بطور بسیار محدود موجبات اقامه دعوی خسارت رامپذیرت نبود، چه این فرمولهای باستانی و ویژه کامن لو، این شکلهای دعوی forms of action، در ایالت نیویورک بسال ۱۸۴۸ الغاء شده بود، در حالی که در انگلستان در سال ۱۸۷۳ ملغی گردید. در نتیجه، بسال ۱۸۵۲ دادگاه استیناف نیویورک میتواندست باسانی اعلام کند که تقصیر خواننده آن بوده است که یک داروی سمی را با برچسب نادرست در اختیار اسپین وال Aspinwall، شخص واسطه بین وینچستر خواننده و دارو فروشی که با حسن نیت داروی سمی را بمشتری خود توماس فروخته بود، گذارده است.

دردعوای توماس علیه وینچستر ، دعوای لنگریج علیه لوی و بطور کلی دره
دعاوی مربوط به کالای خطرناکی که ، چنانکه هست ، معرفی نشده یا کالای معیوب
که بعلت عیب خطرناک است ، مسئولیت مدنی خواننده منوط به وجود رابطه قرارداد
بین متداعیین دانسته نشده است .

۱۶۷ . دودعوی که از لحاظ گسترش این نظریه مهم است در دوسوی آتلانتیا
بفاصله یکسال روی داده است .

نخستین آنها دعوای Devlin v. Smith^۱ است که بسال ۱۸۸۲ در نیویورک مو
رسیدگی و حکم واقع شده است . در این مورد ، متضرر کارگر شخص مقاطعه کار
است که تعهد کرده گنبد کاخ داد گستری را نقاشی کند و بدین منظور خواننده را بعنوان
یک چوب بست ساز بسیار شایسته بکار گمارده است . ولی چوب بست زیر گنبد شکست
فروریزد و موجب سقوط و مرگ فوری کارگر نقاش میگردد . خواننده در دفاع
خود به فقدان رابطه قراردادی بین او و متوفی استناد میکند . لیکن دادگاه اعلا
میدارد که چوب بست با ارتفاع سی متر بدین منظور تعبیه شده که کارگران فلا
شخص گنبد را نقاشی کنند و هر عیب ساختمانی که موجب فروریختن آن گردد سقوط
نقاشانی را که روی آن کار میکنند بدنبال میآورد . دادگاه با استناد اینکه این دعوی تا
همان اصلی است که در نیویورک دردعوای توماس علیه وینچستر رعایت شده اعلا
داشت که نمیتوان سوردی از این روشن تر تصور کرد که تقصیری یکی از طرفین قرارداد
حداکثر خسارت را به شخص ثالثی که طرف قرارداد نبوده وارد آورده باشد .

سال بعد نیز ، در انگلستان ، دردعوای Heaven v. Pender^۲ مسأله ای را
به یک چوب بست که بدساخته شده و کارگری از آن سقوط کرده بود مطرح گردید

(۱) 89 New York 470, 42 American Reports 311. (1882)

(۲) 11 Queen's Bench Division 503. (1883)

لرداشر Esher کوشش کرد قاعده‌ای کلی برای تکالیف و تعهدات تهیه کنندگان کالاها و وسایل بشرح زیر بدست دهد: «هنگامی که کسی کالاها یا وسایل و تجهیزاتاتی برای بکاربردن یک شخص ثالث فراهم میآورد، چنانچه برحسب اوضاع و احوال، دارنده ذوق سلیم دریادی نظر در یابد که عدم اعمال احتیاطات لازم در ساختن یا معرفی کالای مورد نظر ممکن است زبانی به شخص یا اموال استعمال کننده کالا وارد آورد، در این حال فراهم کننده مزبور دارای یک وظیفه مراقبت و احتیاط است». لیکن نظر لرد اشراز آنجا که دادگاههای انگلیسی، بنا بر عادت، از ایجاد قواعد کلی خودداری میکنند، یا از بیم نتایجی که قبول نظر وی ممکن بود در برداشته باشد و یا از جهت احساس این که قاعده حقوق انگلیس چنین نیست یا بهر علت دیگر، مورد تأیید همکارانش واقع نشد. حقوق اسکاتلند هنوز در حقوق انگلیس در زمینه تقصیر تأثیر محسوسی نداشت. قاعده پیشنهادی لرداشر در ایالات متحده نیز مورد انتقاد واقع شد چه این قاعده برای حمایت از افراد و جلوگیری از ایراد ضرر به آنان یک وظیفه مثبت احتیاط برای هر کس تعیین میکرد. لیکن شک نیست که اظهار نظر لرداشر، مبنی بر وجود تکلیفی جدا و مستقل از رابطه قراردادی بین طرفین، از پایان اصلی که در دعوی *Vinterbottem v. Wright* مورد استناد بود خبر میداد، با اینکه ۵ سال دیگر وقت لازم بود تا این اصل بکلی از میان برود.

۱۶۸. - در ایالات متحده آمریکا، بسال ۱۹۰۳، سنبرن Sanborn رئیس دادگاه فدرال استیناف هشتمین منطقه پس از بررسی آراء آمریکائی و انگلیسی در مورد مسئولیت ناشی از جرم مقاطعه کاران، تولید کنندگان و فروشندگان در برابر اشخاص ثالث اعلام داشت که آراء مزبور هماهنگی کامل ندارند و نمیتوان همه آنها را مبتنی بر یک قاعده ثابت حقوقی دانست. لیکن در عین حال که هماهنگ کردن کلیه دلائل

(۱) V. Bohlen F. H., Affirmative Obligations in the Law of Torts, 44

American Law Register (New Series) 310, 341 (1905).

و اصول را کاری دشوار تلقی میکرد عقیده داشت که مفهوم تقصیر negligence اصل اساسی است که باید به گره گشائی این مشکل کمک کند^۱. این اصل روشن است: وظیفه هر کس آن است که چنان رفتار کند و اموال خود را چنان بکاربرد که زبانی از آن بدیگری نرسد. سنبرن قواعدی را باین اصل میافزود و عقیده داشت که این قواعد باید در مورد مسئولیت ناشی از جرم رعایت گردد:

۱ - هر کس مسئول نتایج طبیعی و احتمالی اعمال خود است؛

۲ - تقصیر، تخلف از انجام وظیفه است؛

۳ - ضرر ناشی از یک تقصیر هنگامی میتواند سبباً معتبر برای دعوی مسئولیت مدنی تلقی شود که نتیجه بطور معقول قابل پیش بینی باشد در غیر این صورت، رابطه میان تقصیر و خسارت مورد استناد چندان غیر قطعی و دور خواهد بود که نخواهد توانست دعوی مسئولیت را توجیه کند؛

۴ - بهمین دلیل در دعوایی از این قبیل، هرگاه بحقیقت، سبب ایراد خسارت اسر دیگری باشد، خواهان نباید حق دریافت خسارت داشته باشد.

نقش عمده سنبرن، در این زمینه، آن بود که مفهوم مسئولیت ناشی از جرم را از قید قرارداد رهایی بخشید. وی اعلام داشت: «دعوی مبتنی بر تقصیر ضمانت اجرای تخلف از انجام وظیفه است ولی دعوی قراردادی ضمانت اجرای نقض قرارداد است و از آن نتیجه میشود که حدود مسئولیت ناشی از تقصیر الزاماً با حدود مسئولیت ناشی از عدم اجرای قرارداد یکی نیست و دعوی مبتنی بر تقصیر غالباً در مواردی که هیچگونه دعوی مبتنی بر نقض قرارداد نمیتوان اقامه کرد قابل طرح میباشد و عکس این امر نیز صادق است».

۱۶۹ - سیزده سال بعد، در ۱۹۱۶، دادگاه استیناف نیویورک، دادگاهی

(۱) Huset v. J. I. Case Threshing Machine Co. (Circuit Court of Appeals, Eighth Circuit, 1903), 120 Federal 865.

که از پیش قدم بزرگی در این راه برداشته بود، در دعوی - Mac Pherson v. Buick Motor Company فرصتی یافت که در وضع حقوقی مسأله مزبور تجدید نظر کند: خواننده که یک سازنده اتومبیل بود اتومبیلی را بیک نماینده انحصاری فروش فروخته و اونیز اتومبیل را به خواهان منتقل کرده بود. هنگامی که خواهان در اتومبیل قراردادش حادثه‌ای روی داد و در نتیجه خواهان به خارج پرتاب و مجروح گردید. این حادثه ناشی از عیبی در ساختمان اتومبیل بود: یکی از چرخها با چوب بد ساخته شده و پره‌های آن شکسته بود. ولی چرخ ساخته کمپانی Buick Motor نبود، بلکه کار مؤسسه دیگری بود. بعلاوه کشف عیب بایک بازرسی معمولی ممکن بود لیکن شرکت سازنده اتومبیل اقدام به چنین بازرسی نکرده و دعوی خواهان درست بر همین تقصیر استوار بود. بنابراین دادگاه بایستی تعیین کند که آیا خواننده در برابر اشخاصی غیر از خریدار بلاواسطه دارای تکلیف احتیاط و مراقبت بوده است.

کاردزوه Cardozo قاضی دادگاه در این دعوی اصلی را که در دعوی - Thomas v. Winchester پذیرفته شده بود اجرا کرده اعلام داشت: « ما قاعده‌ای را که بموجب آن تکلیف اجتناب از ایراد ضرر از روی تقصیر فقط در زمینه تعهد قراردادی وجود دارد رها کرده‌ایم ». با وجود این، در نظر کاردزواربی که بسود خواهان در دعوی Mac Pherson v. Buick Motor Comany صادر شد چیزی جز گسترش استثناء پذیرفته شده در دعوی توماس نبود و الغاء کاسل اصل لزوم رابطه قراردادی بین طرفین دعوی را اقتضاء نمی‌کرد. قاعده‌ای که کاردزور برای مواردی که رابطه قراردادی بین خواهان و خواننده وجود نداشته باشد پیشنهاد می‌کرد چنین بود: اگر طبیعت چیزی چنان باشد که تقصیر در ساختن آن بیگمان حیات یا تمامیت جسمی دیگری را بخطر بیندازد، در این صورت آن چیز خطرناک محسوب می‌شود؛ از طبیعت آن میتوان نتایجی را که ممکن است از آن ببار آید پیش بینی کرد. اگر علاوه بر طبیعت خطرناک شیء، معلوم باشد که اشخاص دیگری غیر از خریدار نخستین نیز آنها را بکار خواهند

برد، بی‌آنکه در این میان بازرسی تازه‌ای از شیء بعمل آید، در اینصورت سازنده شیء مزبور باید آنرا، صرف نظر از قرارداد، بادقت و مواظبت بسازد. سپس کاردزو این جمله خاص را که یکی از قضات کامن‌لو گفته است نقل میکنند: «اینست نهایت آنچه ما باید در اخذ تصمیم راجع باین دعوی بپذیریم».

بموجب این رأی، حق دعوای خسارت ناشی از بد سازی علیه تولیدکنندگان برای استعمال کنندگان یا مصرف کنندگان شناخته شد. حیثیت و اعتبار دادگاه استیناف نیویورک و قاضی کاردزو دادگاههای دیگر را چنان تحت تأثیر قرارداد که بزودی از این نظر پیروی کردند. وانگهی، با اینکه کارذوها تمام داشت که تصمیم خود را به مورد خاص دعوای *MacPherson v. Buick Motor Company* محدود کند، اصل پذیرفته شده در این رأی بعدها بمرور دیگری که خواهان بدون وجود تعهد قراردادی ضرر مادی دیده^۱ و به مواردی که متضرر در مجاورت مال معیوب بوده، بدون اینکه شخصاً آن را بکار برده باشد^۲، نیز گسترش یافت.

۱۷۰. - در واقع، استثنای وارد بر قاعده کلی که وجود رابطه قراردادی را شرطی لازم برای دعوای مبتنی بر تقصیر میدانست چندان زیاد شده بود که دادگاه عالی ماساچوست، یکی از آخرین ایالاتی که اصل مزبور را ترک گفتند، بناچار در سال ۱۹۴۶ ضمن تغییر رویه پیشین خود چنین اعلام داشت: «دعوای *Mac Pherson* دارای این نتیجه بود که استثناء، بر اصل موجود غالب آمد و موردی برای اجرای آن باقی نگذاشت»^۳.

(۱) *Genessee County Patron's Fire Relief Association v. L. Sonneborn Sons* (1934), 263 New York 463, 189 North Eastern 551.

(۲) American Law Institute, *Restatement of the Law of Torts*, article 395.

(۳) *Carter v. Yardley and Co.* (1946), 319 Massachusetts 92, 64 North Eastern (2d) 693, 700.

۱۷۱ - اکنون چگونگی تکامل این قاعده را در انگلستان بررسی کنیم .
 در اینجا باید تا سال ۱۹۳۲ صبر کرد تا تقصیر بعنوان یک جرم مدنی متمایز که بتواند
 دعوای مسئولیت مدنی را توجیه کند شناخته شود . این نتیجه به موجب رأی که در
 دعوای Donoghue v. Stevenson^۱ صادر گردید حاصل شد . در این دعوی خواهان
 هنگام صرف یک شیشه لیموناد که دوستی با او تقدیم کرده بود نزدیک بود حلازون
 گندیده‌ای را نیز که در شیشه بود بلعد . لرد اتکین Atkin در این دعوی چنین اظهار
 نظر کرد : « در حقوق انگلیس مانند حقوق اسکاتلند تولید کننده‌ای که کالاها
 خود را بنحوی میفروشد که حاکی از قصد او به رساندن کالا بدست مصرف کننده
 نهائی با همان شرایط خروج از کارخانه است ، بی آنکه عادةً اسکان بازرسی در این
 میان وجود داشته باشد ، و میدانند که عدم رعایت احتیاطات معقول در جریان تولید
 ممکن است زیانهائی به شخص یا اموال مصرف کننده وارد آورد ، در برابر مصرف
 کننده مکلف به اخذ تدابیر احتیاطی لازم میباشد »^۲ . این اظهار نظر لرد اتکین راهمه
 مؤلفان انگلیسی و آمریکائی نقل میکنند .

و نیز غالباً ملاحظات زیر را که از لرد مک میلان Lord Mac Millan است
 مورد استناد قرار میدهند : « هر کس که بکار تولید فرآورده‌های غذایی بمنظور مصرف
 عموم بدون تغییر شکل اشتغال دارد مکلف است در موقع ساختن فرآورده‌ها کلیه تدابیر
 احتیاطی لازم را اخذ کند . او کالاها را برای مصرف افراد میسازد و هدفش
 آن است که فرآورده‌هایش مصرف شود و روی آن حساب میکند . از اینرو با کلیه
 مصرف کنندگان احتمالی کالایش ارتباط پیدا میکند و این رابطه که مولود اراده
 تولید کننده برای رسیدن به هدفهای خاص اوست مکلفش بیدارد که دقت لازم را برای
 اجتناب از ایراد خسارت بمصرف کنندگان بکار برد . وی مکلف است که فرآورده‌ای را
 که عادةً سالم و بی ضرر تلقی میشود با اعمال خود به کالائی خطرناک برای

(۱) Donoghue V. Stevenson (1932), Appeals Cases 562.

(۲) همان مأخذ ، صفحه ۹۹۰

حیات یا سلامت تبدیل نکند^۱ .

لیکن لرد اتکین گفته است^۲ : « قاعده‌ای که بموجب آن باید ممنوع خود را دوست داشت در حقوق باین صورت درمی‌آید : « نباید به‌ممنوع خود زبان رساند » و ممنوع در حقوق معنایی محدود دارد . حقوق اقتضا میکند که انسان ، بنحوی معقول در راه اجتناب از افعال یا ترک افعالی که زیان آنها برای دیگران عادةً قابل پیش بینی است کوشش کند . در این صورت ممنوع از نظر حقوقی کسانی هستند که افعال انسان نسبت بآنها اثر نزدیک و مستقیم دارد و شخص باید ، هنگامی که به افعال یا ترک افعال مزبور توجه میکند ، بنحوی معقول بزبانهایی که ممکن است بایشان برسد بیندیشد . با آراء صادر در دعوی Mac Pherson در نیویورک و دعوی Donoghue در انگلستان که اصل پذیرفته شده در دعوی Winterbottom v. Wright سببی بر لزوم وجود یک رابطه قراردادی بین طرفین دعوی را رد کردند نخستین دور مبارزه بین تولید کنندگان مقصر و مصرف کنندگان زیان دیده پایان یافت . در این دور پیروزی از آن مصرف کنندگان بود که حق اقامه دعوی خسارت بر مبنای تقصیر را بدست آوردند .

مبحث دوم

اشکالات مربوط باثبات تقصیر

۱۷۲ . - دومین دور مبارزه هنگامی آغاز شد که مصرف کننده با اشکالاتی مربوط به اثبات تقصیر تولید کننده مواجه گردید .

(۱) Donoghue v. Stevenson (1932), appeals Cases p. 620.

۲ - همان مأخذ ، صفحه ۸۰ هـ

درمثال فرضی ماخانم جونز شیشه‌ای نیمه خالی از لیموناد و قطعاتی از یک سوسک گندیده که درشیشه پیدا شده بود در مقابل داشت . مسلم است که دل‌به‌م خوردگی خانم جونز ناشی از آن بود که فکر میکرد پاره‌ای از سوسک را خورده‌است . دراینحال یک سؤال مطرح میشد : چگونه این سوسک که نمی‌بایست دربطری باشد درآن پیدا شده است ؟ آیا این امر نتیجه بی‌مبالاتی یا اتفاق بوده است ؟ بار اثبات بی‌مبالاتی تولیدکننده یا کارگران او بر عهده خانم جونز بود .

هنگامی که نخستین دعاوی ازاین نوع روی نمودند ، تولیدکننده میتواندست باسانی از امثال خانم جونز اثبات بی‌مبالاتی خودرا بخواهد . البته در مورد مذکور تعیین زمان دقیق وارد شدن سوسک به شیشه و مثلاً تعیین اینکه آیا سوسک هنگام پر کردن شیشه وارد آن گردیده ، یا شیشه خالی کاملاً تمیز نشده است ، ممکن نیست . دراین گونه دعاوی غالباً چنین وضعی وجود دارد و اثبات تقصیر خواننده یا کارگران او دشوار است . بالتلیجه ، با اینکه مصرف کننده دارای حق اقامه دعوی علیه تولید کننده بود ، این حق برای او سودی نداشت ، چه نمیتوانست بر اشکال اثبات تقصیر فائق آید . این اشکال از آنرو تشدید میشود که جریان تولید پیچیده است و فاصله‌ای زیاد کارخانه را از مصرف کننده جدا میکند . در دعوی *Cushing v. Rodman* که سال ۱۹۰۶ در ناحیه کلمبیا برای انجامید^۱ دادگاه خاطرنشان کرد که خواهان بهیچ وجه نمیتواند یخچالها ، آشپزخانه ها و دفاتر هتلها و رستورانها را بازرسی کند تا معلوم نماید که آیا تدابیر احتیاطی برای نگهداری و ساختن و تهیه اغذیه اتخاذ شده است یا نه . خواهان نمیتواند خواننده یا کارکنان او را هنگامی که مواد اولیه را در بازار یا حتی در خود مؤسسه بررسی و انتخاب میکنند ، همراهی کند . او بهیچ منوال نمیتواند اظهارات خواننده یا کارکنان او را که بعنوان شهود بدادگاه دعوت شده‌اند ببطرفانه تلقی کند و بدان اعتماد نماید .

(۱) *Cushman v. Rodman* (1936), 65 Appeals District of Columbia, 258,

۱۷۳. - پس از سالیانی دراز، دادگاهها به کمک مدعیان آمده، اجرای قاعده معروف *res ipsa loquitur*^۱ را در باره آنان گسترش دادند. با اجرای این قاعده دادگاهها دیگر دلیل مستقیم بر تقصیر خوانده مطالبه نمیکنند و بر آنند که خواهان از این تکلیف معاف است، هرگاه بتواند ثابت کند که ضرری که باورسیده ناشی از اعمال خود او یا وسائلی که در جریان کالا دست داشته اند نبوده است و در این صورت معلوم میشود علت حادثه در قلمرو کنترل تولیدکننده قرار داشته و بر او است که عدم تقصیر خود را اثبات کند.

بدینسان در فرض ما، خانم جونز بایستی اثبات کند که پیداشدن سوسکه در شیشه مولود تقصیر او یا تقصیر کارکنان کافه که لیموناد را در اختیار او گذاشته اند نبوده است. معذرا بدیهی است که حتی اثبات این امر نیز آسان نیست.

۱۷۴. - در دعاوی مربوط به فرآورده های غذایی، لااقل دو دادگاه آمریکائی: دادگاه پنسیلوانیا^۲ و دادگاه کانزاس *Kansas*^۳ هم از تولیدکننده و هم از جزئی فروش، در صورتی که هر دو مورد تعقیب باشند، خواسته اند که اتخاذ تدابیر احتیاطی از جانب خود را ثابت کنند. پیش بینی اینکه دادگاهها تا کجا بکمک خواهان خواهند رفت دشوار است. در یک دعوی مشهور از می سی سی پی^۴ خواهان در توتون جویدنی

(۱) *Lord Shaw* در دعوی *Ballard v. North British Railway Co.* (1923), *Sessions Cases (H. L.)* 43 نوشت است که اگر ضرب المثل *res ipsa loquitur* در لاتین نبود هیچکس آنرا بعنوان یک اصل حقوقی تلتی نمیگرد. (ترجمه مثل این است که «شیء» برای خود سخن میگوید *the thing speaks for itself* یعنی اوضاع و احوال از وجود تقصیر حکایت میکنند - مترجم).

(۲) *Loch v. Confair* (1953), 372 *Pennsylvania* 212, 93 *Atlantic* (2d) 317.

(۳) *Nichols v. Nold* (1953), 174 *Kansas* 613, 258 *Pacific* (2d) 317.

(۴) *Pillars v. R. J. Reynolds Tobacco Company* (1919), 117 *Mississippi* 490, 78 *Southern* 365.

یک انگشت فاسد شده انسانی یافته و بیمار شده بود. اگر پرونده این دعوی را بررسی کنیم، می بینیم که هیچ دلیلی بر تقصیر کسی اقامه نشده بود و دادگاه بدوی توصیه کرده بود که هیئت منصفه به نفع دو خواننده دعوی، یعنی سازنده و کلی فروش رأی بدهد. لیکن دیوان عالی ایالتی این تصمیم را نسبت به تولیدکننده شکست و اعلام داشت که نمیتواند تصور کند که چرا با تدابیر احتیاطی ساده‌ای انگشت‌های پا را از توتون جویدنی دور نکرده‌اند و اگر چنین چیزی در توتون یافت میشود بنظر دادگاه کار کسی بسیاری مبالغه است.

مبحث سوم

تضمین ضمنی

۱۷۵. - سومین دورمبارزه میان تولیدکنندگان کالاهای معیوب، همچنان ادامه دارد و آراء دادگاهها درباره آن مختلف است. مسأله‌ای که اکنون مطرح است اینست که آیا تولیدکنندگان و شاید سایر تهیه کنندگان، بی آنکه اثبات تقصیر آنها ضروری باشد، مسئول فرآورده‌های معیوب خود هستند؟

دلایل متعددی در تأیید این نظریه جدید آورده شده ولی هیچیک از آنها کافی برای توجیه کامل آن نیست. دیدیم که اثبات تقصیر خواننده حتی بکمک قاعده *res ipsa loquitur* چه دردشوار است. بعلاوه، در بازرگانی جدید معمول است که کالاها را بایسته بندی و علامت ثبت شده کارخانه میفروشند و پس از فروش بوسیله تولیدکننده، کنترل آنها در فاصله بین تولید و مصرف ممکن نیست. وانگهی بسیاری از تولیدکنندگان افتخار میکنند که محصولاتشان با همان کیفیت که از کارخانه خارج شده بدست مصرف کننده میرسد. اخیراً بنگاه‌های تبلیغاتی بانشر آگهیهای در مطبوعات، رادیو و تلویزیون میکوشند اعتماد کامل مردم را به علائم صنعتی

بسیار معروف جلب کنند. این علامات، از نظر شهرت شغلی و تجارتي تولیدکننده، خود تضمینی معتبر برای خوبی جنس و بهداشتی بودن کالا است. فکردیگری نیز در این زمینه گسترش یافته که مفهوم جدید بیمه شخص ثالث آنرا تقویت کرده است. این فکر آنست که تولیدکننده باید هرگونه ضرر وارد بوسیله کالاهای معیوب خود را به نحو عادلانه ای جبران کند، زیرا از آنجا که کالای خود را در مقابل خسارت بیمه کرده و مخارج بیمه طبق اصول آن مستهلک میشود، بدون اشکال زیاد میتواند این زیان را تحمل کند. بالاخره در مورد فرآورده های غذایی و داروئی قوانین و آئین نامه هائی در سطح ایالتی و فدرال وجود دارد که مسؤلیت و بازرسی شدیدی را بر تولید کنندگان و تهیه کنندگان کالاها تحمیل میکند^۱.

بعقیده بعضی از مؤلفان^۲ مرجح آن است که دادگاهها و مجالس قانونگذاری ایالتی مستقیماً و صریحاً مسؤلیت تولیدکننده را بشناسند. لیکن کامن لو ترجیح میدهد که بجای وضع یک قانون جدید طریقه غیرمستقیم را بکار برده راهلهای قدیمی را بانیازمندیهای جدید منطبق نماید. این خصیصه کامن لودردعوی ناشی از خسارت وارد بمصرف کنندگان کالاهای معیوب با توجه به مفهوم تضمین ضمنی جنس که عامل اساسی و مبنای اصلی تصمیم بعضی از دادگاهها بوده است آشکارا جلوه میکند. ۱۷۶ - در کامن لو، دعوی مدنی نقض تعهد، در اصل، یک دعوی ناشی از جرم action in tort محسوب میشود لیکن همیشه مربوط باوضاع و احوال خاص

(۱) برای مثال، رجوع شود به :

Donaldson v. Great Atlantic and Pacific Tea Company (1938), 186 Georgia 870, 199 South Eastern 213.

(۲) PROSSER, handbook on the of Torts (2nd ed). p. 510;

و نیز رجوع کنید به رأی قاضی الکساندر در دعوی

Jacob E. Decker and Sons v. Capps (1942), 139 Texas 609, 164, South Western (2d) 829.

action on the case^۱ بود بدین معنی که تصمیمی که درباره آن صادر میشد بهمان دعوی اختصاص داشت و تابع یک متن مشخص و غیر قابل انعطاف نبود، چنانکه پروفیسور آمس Ames در مطالعه عالی وارزنده‌ای که راجع بتاریخ ریشه‌های قرارداد کرده آنرا یادآور شده است^۲. با اینکه لااقل از سال ۱۷۷۸ دعوی راجع به نقض تعهد مبتنی بریک شرط صریح یا ضمنی قرارداد بیع تلقی شده است^۳ این دعوی هرگز جنبه جرمی خود را کاملاً از دست نداده است.

پرفیسور پروسر Prosser، رئیس سابق دانشکده حقوق کالیفرنیا، در کتابی که تحت

(۱) در کاسن لوهر دعوی شکل و تشریفات خاصی داشت و بانوشته Writ خاصی آغاز میشد. از قرن چهاردهم طبق قانون دوم و ستمینستر Statute of Westminster 11 1285 دادگاهها در مواردی نظیر موارد پیشین نیز صدور نوشته را پذیرفته بدعوی رسیدگی میکردند. دعوی که بدین ترتیب مورد رسیدگی قرار میگرفت action on the case نام داشت و بدانجهت چنین نامیده میشد که خواهان در چهارچوب یک نوشته موجود و پیش ساخته، وقایع سربرط بدعوی خود را بجای فرسولهای خاص آن میگفتند. بدینسان نوشته‌ای که برای آغاز این گونه دعوی صادر میشد از اصلاح یک نوشته پیشین بدست میآمد. مهمترین دعوی جزء این دسته از اصلاح نوشته trespass که در مورد تجاوز به مال یا جان باپاره‌ای شرایط صادر میشد ناشی گردید: در دعوی خسارت، هنگامی که شرایط لازم برای صدور نوشته trespass جمع نبود، لیکن دعوی، مشابه دعوی ترسپاس بود، نوشته مشابهی صادر میگردد و دعوی در اینصورت trespass on the case یا action on the case نام داشت و عملی که موجب خسارت شده بود tort نامیده میشد، در صورتی که عملی که دعوی ترسپاس را پدید میآورد بنام ترسپاس موسوم بود.

رجوع کنید به :

O. Hood Phillips : First Book of English Law, 5th ed

view P. 8; -Wharton's Law Lexicon, 4th edit .

(مترجم)

(۲) AMES W. B., The History of Assumpsit, 2 Harvard Law Review

I. 8 (1888).

(۳) دعوی 18 Douglas (1778) I Stuart v. Wilkins را استاد آمس و استاد پروسر

نخستین دعوی راجع به تضمین تلقی کرده‌اند.

عنوان کامن لو راجع به جرم و شبه جرم Common Law of Torts نوشته میگوید :
 «مسئولیت فروشنده نسبت به خریدار در زمینه تقصیر negligencce تا حد زیادی جای خود
 را به مسئولیت عینی ناشی از نقض تعهد داده است ؛ چه فروشنده ، لاقبل تا اندازه ای
 متعهد شده است که کالای فروخته شده خوب و سالم باشد ^۱ .

این مسأله همواره مورد بحث شدید است که آیا دعوای نقض قرارداد مربوط
 به مسئولیت ناشی از جرم یا مربوط به حقوق قراردادهاست این . تفکیک ممکن است
 ثمرات مهمی از نظر مرور زمان ، تعیین میزان خسارت ، حق دعوای وارث یا موصی له ،
 خسارت درد ورنج و غیر اینها داشته باشد . لیکن میتوان بطور کلی گفت که اثبات
 نقض تعهد ناشی از تضمین کالا obligation de garantie موجب مسئولیت عینی نسبت
 بزبانه های وارد است و خواهان مکلف به اثبات تقصیر فروشنده یا آگاهی او از عیب کالا
 نیست ^۲ .

۱۷۷ . - قانون یکتواخت بیع Uniform Sales Act که در اکثر ایالات متحده

آمریکا پذیرفته شده از دو تضمین ضمنی راجع باوصاف کالا سخن میگوید :

- ۱ - تضمین اینکه کالا درخور استفاده ای است که مقصود خریدار است ، در
 صورتی که خریدار هنگام انتخاب کالا و انجام معامله فروشنده را از مقصود خود آگاه
 کرده و آشکار باشد که به صلاحیت و داوری او در این خصوص اعتماد کرده است .
- ۲ - تضمین اینکه کالا با شرایط فروش و توصیفی که از آن شده تطبیق نماید ،

(۱) PROSSER, Handbook on the Law of Torts (2d ed.), p. 493.

(۲) رجوع کنید برای نمونه بدعوای 229 (1949) Pietrus v. Watkins Co.

Minnesota 179, 38, North Western (2d) 799 که در آن اثبات آگاهی خواننده خواسته

نشده است ؛ و دعوای - 165 Con necticut 579, 116 (1933) Keyser v. O. Meara

Atlantic 793 که در آن اثبات تقصیر خواننده یک رکن ضروری برای قبول دعوای خواهان

تلقی نگردیده است .

هرگاه واسطه فروش این گونه کالاها را بفروشد^۱ . تضمین ضمنی از این حد بالاتر
نمی‌رود^۲ .

۱۷۸ . - هرگاه نظریه تضمین ضمنی را در مورد دعاوی اقامه شده علیه تولید
کنندگان ، در مواردی که واسطه‌ای بین آنان و مصرف کنندگان کالاها وجود دارد
اجرا کنیم ، فوراً سلاخه مینمائیم که یک دلیل قدیمی در اینجا دخالت میکند و آن
اینست که رابطه قراردادی بین تولید کنندگان و مصرف کنندگان وجود ندارد و از
اینرو استناد به تضمین نابجاست .

دو نظریه برای رفع این اشکال ارائه شده است :

الف - بموجب نظریه اول ، دعاوی مبتنی بر نقض تعهد که در اصل ، یک
دعوی ناشی از جرم بوده امروز نیز دارای همین وصف است و بالنتیجه سازنده در برابر
مصرف کننده ، قطع نظراً وجود یک رابطه قراردادی مسئول است . بنظر میرسد که
این نظریه رایج و از تأیید عموم حقوقدانان برخوردار است .

ب - نظریه دوم مبتنی بر این فکر است که تضمین ، در جریان انتقال مالکیت ،
همواره همراه کالای مورد معامله است *runs with the title* و حتی در مواردی که
تصرف بموجب خرید و فروش نباشد بلکه مثلاً بموجب هبه یا عاریه صورت گیرد ،
تضمین اعتبار خود را از دست نمیدهد^۳ .

اصل مسئولیت عینی ، اغلب در دعاوی مربوط به فرآورده‌های غذایی و مشروبات
اجراء شده است . در این دعاوی تضمین ضمنی عاده^۴ وجود دارد و موضوع تضمین

(۱) PROSSER, The Implied Warranty of Merchantable Quality 27
Law Review 117 (1934).

(۲) قانون یکنواخت بیع ، ماده ۱۵

(۳) رجوع کنید به : - 145, (1927), Coca Cola Bottling Works v. Lyons

Mississippi 876, III Southern 305 Grafico Bottling Co. v. مخالف آن است رأی

Ennis (1925), 140 Mississippi 502, 106 Southern 97 که در آن دادگاه اعلام کرده

است که تضمین برای کسی که کالا را روزیکشنبه (برخلاف یک قانون سیسی سی پی) خریداری
کرده وجود ندارد .

مزبور آن است که کالا دارای شرایط فروش و مناسب برای استفاده‌ای باشد که مورد نظر مصرف‌کننده است. بعلاوه موضوع دقیق این تضمین ضمنی را با کیفیت معرفی کالا از طریق تبلیغات میتوان اثبات کرد. نخستین آراء مربوط به فرآورده‌های خوردنی و آشامیدنی است که بسته بندی شده و سر بسته تحویل میگردد؛ لیکن این اصل بتازگی بدعاوی راجع به فرآورده‌های دارویی و اخیراً بیک دعوی راجع به سنگهای ساختمانی گسترش داده شده است^۱.

۱۷۹. - نظریه تضمین ضمنی را در ایالات متحده تعداد کمی از دادگاهها پذیرفته اند. نیویورک آنرا سردود شناخته است. لیکن کالیفرنیا، فلوریدا، ایلینیز ایوا، مینسوتا، میسوری، سیشیگان، اهایو، اکلاهما، پنسیلوانیا، تکزاس و ویوژ ایالت واشنگتن، لااقل در زمینه فرآورده‌های غذایی، آنرا پذیرفته اند. باید یادآور شویم که یکی از مؤلفان از تخصیص نظریه مذکور به دعاوی راجع به فرآورده‌های خوردنی و آشامیدنی انتقاد کرده و اعلام داشته است که این دعاوی فقط موردی خاص و غالباً تأسفانگیز از اجرای نظام حمایت از مصرف‌کننده بی‌اطلاع میباشد.

مبحث چهارم

مشکلاتی که هنوز حل نشده است

۱۸۰. - بالاخره پاره‌ای از مشکلات و مسائل هست که هنوز حل نشده؛

(۱) استاد L. Lewellyn عقیده کسانی را که فقط در دعاوی مربوط به فرآورده‌های غذایی تضمین را قابل اجرا میدانند مورد انتقاد قرار داده است. بعقیده وی، قبول اینگونه دعاوی نخستین گام بسوی حمایت مدنی از مصرف‌کنندگان بی‌خبر از خطرات کالاهاست. رجوع کنید به:

L. Lewelly, on Warranty Quality and Society, 36 Columbia Law - Review 669, 704, N. 14 (1936).

راه حل‌های رضایت بخشی برای آنها ارائه نگردیده است .

هنگامی که به نظریه مسئولیت عینی مبتنی بر تضمین ضمنی یا نظریه تقصیر رجوع میکنیم این مسأله مطرح میشود که چه کسی باید از این تکلیف احتیاط یا تضمین ضمنی برخوردار گردد . آیا باید تضمین را به کسی که کالائی را دزدیده و هنگامی که آنرا بطور عادی استعمال یا مصرف میکرده زبانی دیده است گسترش داد ؟ قانون یکنواخت تجارت 'Uniform Commercial Cod'e^۱ اعلام میدارد که :

« تضمین یک فروشنده اعم از اینکه صریح یا ضمنی باشد بهر فردی از افراد خانواده و اطرافیان خریدار و از جمله میهمان او گسترش مییابد ، در صورتی که فرض استعمال یا مصرف آن کالا بوسیله این فرد و متضرر شدن وی از آن بنحوی از انحاء ، معقول باشد . فوراً یادآور میشویم که این قاعده دریافت خسارت را به موارد ضرر بدنی محدود کرده و موارد ضرر مالی و نیز مورد سارق را شامل نمیشود .

حال اگر مسأله را از دیدگاه تقصیر negligence بررسی کنیم درباره دزد چه تصمیمی باید بگیریم ؟ مثلاً فرض کنیم که خانم جونز اتومبیلی خریده است و نمیداند که عیبی در ساختمان آن وجود دارد ؛ اتومبیل را در کوچه ، جلو خانه اش میگذارد . دزدی آنرا میبرد و بعلت نقص فنی حادثه ای برای او روی میدهد . آیا مسئولیت سازنده در برابر مشتری نسبت به این دزد نیز گسترش مییابد ؟ آیا این نکته که سارق نمیتواند از خانم جونز مطالبه خسارت کند در این مسأله مؤثر است ؟ فرض کنیم که پیشخدمت دربار ، چنانکه در ترانه مشهوری آمده است ، شیرینی را که ملکه ساخته میدزد ؛ لیکن از آنجا که شیرینی بجای شکر با آرسنیک ساخته شده است پیشخدمت به بیماری سختی مبتلی میشود ؛ آیا وی میتواند از ملکه مطالبه خسارت نماید ؟

مسأله دیگری که در مورد دارندگان حق مطالبه خسارت مطرح میشود آن است که هرگاه کالای معیوب ، مانند داروئی که تولید شده است ، به سلامت جنین

آسیب رساند آیا سازنده آن که مرتکب تقصیر شده است مسئول و مکلف بجزبران خسارت تلقی میشود ؟

۱۸۱. - مسأله دیگری که غالباً مورد بحث واقع شده بدینقرار است : آیا خواننده که خود تولیدکننده قسمت معیوب کالا نبوده و فقط اجزاء مختلف را جمع کرده و علامت خود را روی کالا زده است باید مسئول خسارات وارده بوسیله این کالا شناخته شود ؟ یک رأی اصولی دیوان عالی کنکیتی کات^۱ مربوط به موردی است که خواننده یک قوطی کنسرو گوشت گاو از یک شرکت آرژانتینی خریده و سپس برچسبی روی آن شامل Armour's Verioest Products، بخط درشت، و Armour et Cie Distributeurs étrangers بخط بسیار ریز، بدون اشاره به شرکت آرژانتینی، زده بود؛ در قوطی کنسرو یک تکه حلبی وجود داشت که خواهان را مجروح کرد و منجر به مرگ او گردید. دیوان عالی اظهار نظر کرد که هردارنده ذوق سلیم از خواندن این برچسب تصور میکند که خواننده - آرسورو کمپانی - تولیدکننده بوده و بهمین جهت ممکن است به قوطی کنسرو و محتوای آن اعتماد کند. علت و مبنای اصلی این رأی آن بود که خواننده نمیتوانست با توضیحات خود این حقیقت را رد کند که برچسب او اعتماد خواهان را به کالای خریداری شده جلب کرده است. شاید بهتر آن بود همانطور که دیوان عالی ماساچوست به سال ۱۹۱۵^۲ گفته است، اعلام میشد که خواننده سلامت کالا را بعنوان اینکه کالای خود اوست تضمین کرده و از اینرو مسئول عیب آن میباشد.

۱۸۲. - مسأله دیگری که شدیدترین مباحثات را برانگیخته مربوط به وظیفه

اعلام خطر *duty to warn* است؛ تاچه حد تولیدکننده باید مصرفکننده را از آثار احتمالی کالای خود نسبت به کسانی که دارای حساسیت غیرعادی هستند، مانند اشخاصی

(۱) *Burkhart v. Armour and Co.* (1932), 115 Connecticut 249, 161, Atlantic 385.

(۲) *Thornhill v. Carpenter - Morton Co.* (1915), 220 Massachusetts 593, 108 North Eastern 474.

که دارای مرض قند یا آلرژی میباشند آگاه سازد^۱ تاچه حد تولید کننده مکلف به اخطار به مصرف کننده است که بکار بردن مقداری بیشتر از آنچه توصیه کرده است خطرناک و موجب اعتیاد مضر، مانند اعتیاد به مرفین، خواهد بود؟ تاچه حد سازنده از مسئولیت مبری خواهد بود، هرگاه برچسبی بدین مضمون: « بدون دستور پزشک مصرف نکنید » روی فرآورده خود بگذارد لیکن تهیه داروی سزبور باسانی و بدون نسخه طبیب ممکن باشد؟ تاچه حد تولید کننده مسئول خسارات وارده بوسیله کالای خود است، هرگاه فی المثل این کالا از طریق جزئی فروشی یا حراج بعد از آتش سوزی و امثال آنها چندین دست گشته باشد؟ تاچه حد تولید کننده کالای دارویی معاف از مسئولیت است، در صورتی که سرمی تهیه کرده باشد که بتواند هنگام همه گیری یک بیماری خدمات بزرگی انجام دهد لیکن، بدون اینکه آزمایشی را که معمولاً قبل از فروش داروهای جدید لازم است انجام داده باشد، مقداری از آن را باطباء بفروشد و ضمناً رعایت احتیاط را به آنان توصیه کند؟

همه این مسائل و بسیاری مسائل دیگر در چهارمین دوره مبارزه تولید کنندگان و مصرف کنندگان مطرح خواهد بود.

۱۸۳. - اگستوس هند Augustus Hand^۲ هنگامی که قاضی دادگاه ناحیه ای فدرال بوده طریقه جدیدی برای حل این مسأله پیشنهاد کرده و نوشته است: « احساس من آنست که حمایت مردم بیشتر اقتضا میکند که مقررات مناسبی برای تنظیم بخشهای بازرگانی که نفع عمومی در آنها مطرح است وضع گردد و بدینسان امنیت مردم بنحوی معقول تأمین شود، نه آنکه اصل مسئولیت عینی افراد گسترش یابد. بعبارت دیگر وضع قوانین مربوط به بهداشت فرآورده های غذایی، کنترل دقیق گوشتها، بازرسی کارخانه های کنسروسازی و منابع دیگر مواد غذایی و مشروبات بنظر من روشی بسیار

(۱) Dillard and Hart, Products' Liability: Directons for Use and Duty to Warn, 41 Virginia Law Review 145 (1955).

(۲) Valeri v. Pullman Co. (Southern District Court New York 1914), Federal 519.

مؤثرتر برای حمایت مردم است .

در پایان ، یادآور میشویم که صاحب سلیقه‌ای که فقط فرآورده‌های غذایی خارجی را می‌خرد با کاربردن این روش نیز همچنان در معرض خطر خواهد بود ، مگر اینکه مقررات راجع بمواد غذایی ونظارت بر آنها که قاضی هند پیشنهاد کرده در یک سطح جهانی پذیرفته شود .